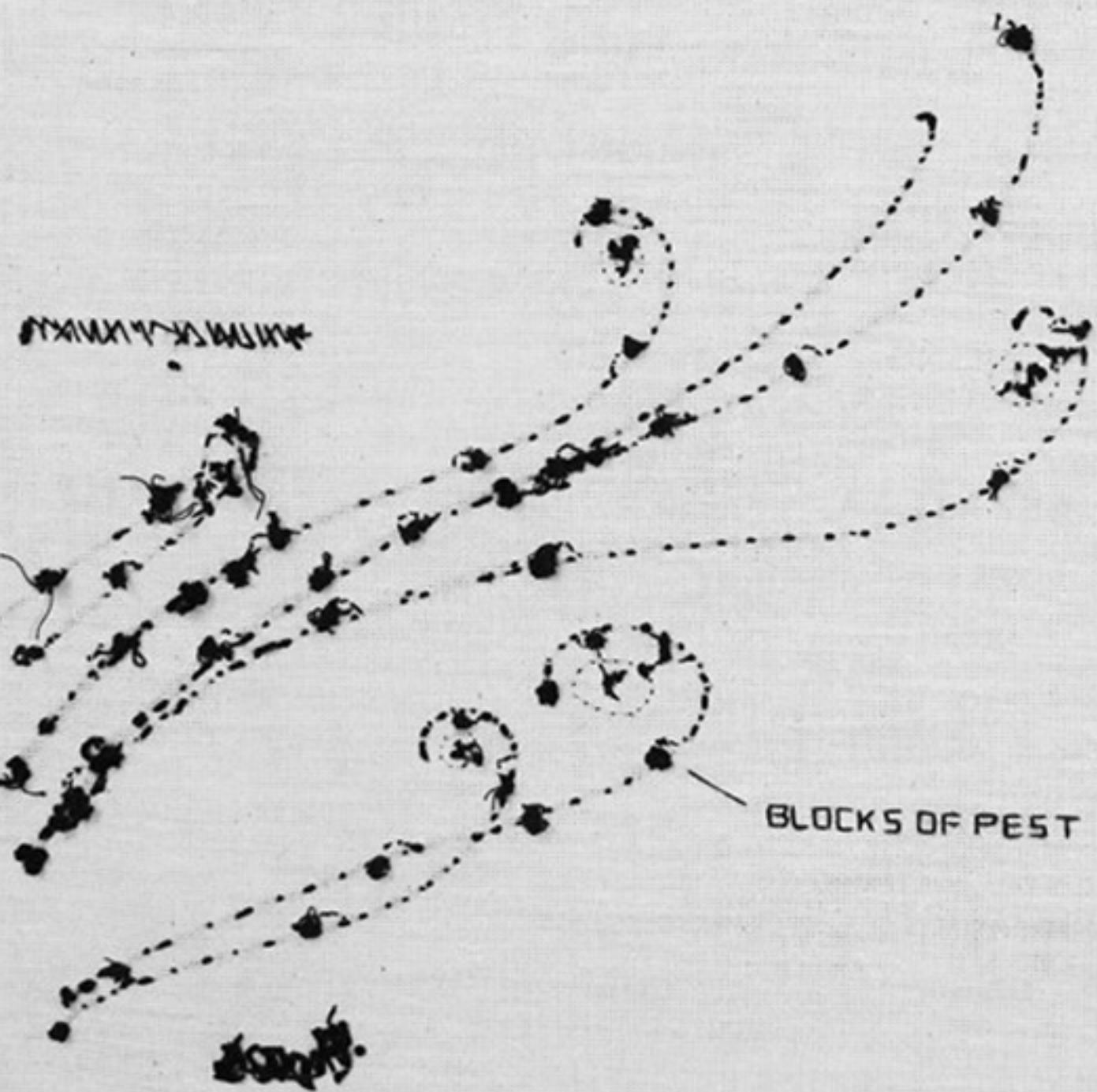


سیاہے میانہ

سے سے آریو (واحد پژوهش فرہنگ سائبرنتیک)



سی سی آر یو
(واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک)

سیاهی میانه

ترجمه پیمان غلامی

dastopaa.net

تذ ۱. برای هر کسی پیش می‌آید.

رنگ‌های درهم‌رونده همان سیاهی، همدستی‌های مختلف با تاریکی، و رنگ‌مایه‌های مه‌اند. نورها دارند از آسمان می‌روند.

دفعه‌ی قبل اشاره کردی دو و پنج دقیقه است. ناگهان دیدم پنج دقیقه به شش است، و سریع دارد تاریک می‌شود. چیزی در جاده پیش آمد، همان‌طور که برای هر کس پیش می‌آید. آن‌چه بعداً به صورت امواج برمی‌گردد.

بازگشت رازآلود به هسته‌ی هویت از راه خون‌دماغ‌ها، به سیاهی‌رفتن‌ها، نورهای نارنجی، زمزمه‌ها. آن‌ها خدایگان ستاره‌سان بودند، حس تجاوز و کالبدشکافی زنده‌زنده را داشت. جیغ‌و دادهای نصفه‌یخ‌زده و سهمگین حیوانی آزمایشگاهی... و این خود تویی. حافظه‌ای واپس‌رفته در خواب که درون تپش‌های هلیکوپتر سیاه شیزوفرنی پارانوئید می‌سوزد...

زمانی می‌دانستی به دنبالت هستند، می‌توانند ولت کنند.

تذ ۲. مامان^۱ با یک هیولای ستاره‌سان وصلت کرد (حتی مسیح هم می‌دانست).

مجیک-۱۲^۲ انسان‌سان^۳ بود، همان انجمن کهکشانی^۴. سیاست گرانشی یا ستاره‌ای، سرشت پارانوئید ساینس‌فیکشن محض: یک خط سفید بدون انقطاع از خورشیدشاه فالیک شمسی به وضعیت هسته‌ای، که امتزاج سرد اتلافگر را به نام بدنی تابنده و تولید انرژی سنگین و چگال‌شده‌اش سرکوب می‌کند.

فقط با چینه‌دان‌ها و سیستم‌های مجتمع آبی کار می‌کنند و بدن ارگانیک را با وزوزهای امنیتی بانک اسپرم بسته‌بندی می‌کنند. به همین دلیل است که آزمایش ژنتیک نفیلم^۵ به یک ارگانسیم بدلت کرد، با

۱. Mummy - مادر مومیایی، شبیه به حوای ازل، مادر ادیبی-بتبارشناختی که از راه چگالی سنگین گرانشی و ژنتیکی سازنده‌ی هویت، ارگانسیم، حافظه، و همه‌ی خصایص انسانی‌ست. به همین دلیل، مفهوم مادر برای سی‌سی‌آریو، لند، و نگارستانی با فاشیسم معادل است. به زبان دلوز و گتاری ایجنت‌ها همواره بیتیم (orphan) هستند. به زبان میشو ایجنت‌ها نه از مادر بلکه از سیاهی نیستی زاده می‌شوند. به زبان نیچه هر ایجنت در مقام پدر خودش مرده است و در مقام مادر خودش به حیاتش ادامه می‌دهد. باین‌همه نباید این مفهوم را با نحوه‌ی استفاده‌اش در برخی ساب‌کالچرها خلط کرد حتی اگر در آن فضاها نیز اغلب به چنان سمتی رفته باشد. مادر در بیرون از این مفهوم‌پردازی‌ها در مقام مادرصحرای بدن بی‌اندام یا درونماندگاری معادل است، اما در این مفهوم‌پردازی‌ها شاخص تعالی‌ست. در مورد مفاهیم نور و ستاره ر.ک. پانویس ۲، ص ۵. م.

2. MAJIC-12

3. Anthropol

۴. Galactic Federation - با سیستم کنترلی یکی‌ست. ر.ک. از براندازی به غرق کردن، سی‌سی‌آریو، منتشرشده در «دست‌وپا». م.

۵. Nephilim - عبری‌ست و به معنای کسانی که باعث فروافتادن دیگران می‌شوند. در سفر پیدایش به موجودات غول‌پیکری اشاره دارد که از وصلت بین پسران خدا و دختران انسان‌ها به وجود می‌آیند. م.

تبارشناسی هر می باز تولید کرد، و با نشانه‌های پدران‌های برنامه‌ریزی بینا ستاره‌ای داغت زد. چپ حافظه^۱ را بیرون بیاور و بین که کارت اطلاعاتی تاریخ‌دار^۲ به سناریوهای سوء استفاده‌ی جنسی خدای ستاره‌سان برش می‌خورد.

تز ۳. آن بی‌شمارتر از آن‌ها^۳ است.

«ایشان^۴» یک تکثر^۵ است که به واحدهایش تقسیم می‌شود و این واحدها می‌توانند بسیار باشند، ولی هرگز آن قدر نیستند که یک «آن» یا کثرت^۶ بسازند، یک خیل یا فوج، که فقط به اجزایی تقسیم می‌شود که هر کدامشان به نحوی بی‌شمار بی‌شمارند و به میکروکثرت‌های تقلیل‌ناپذیر تجزیه می‌شوند. آن غوغا می‌کند، زمزمه می‌کند، وزوز می‌کند. تراوش گازی خزنده‌ی مه^۷...

هر چیزی را به آن ترجیح خواهند داد، حتی یک سیاه‌چاله را.

تز ۴. خاکستری‌ها سیاهی میانه‌اند.

پس از سی‌ئی-۴ سی‌ئی-۵ و بعد ۶ می‌آید. نقاب شوا^۸ کنده می‌شود، و تو داری به سمت وحشتی بی‌چهره می‌روی، به طرف سرریز کرم‌ها، تمرکزت را از دست می‌دهی.

از طرف کهکشانی می‌آید که دارند رو به تاریکی می‌گذارند، کابوسی مسری از خارج، که خودش را در خیل انبوه غبار بینابین ستاره‌ها سرهم‌بندی می‌کند. با تخم‌ریزی فوج فوج نازندگی در پیچ‌وتاب‌های منتشر، از طریق اوراق کردن چگالی متمرکز ماده-انرژی، یک فضای صاف با گرانش پایین می‌سازد و آن‌ها را به شیمی پلاسمای یونی‌کننده و ماشینی تبدیل می‌کند، به همان که مارپیچ‌های امتزاج نانو^۹ی پراکنده شده تغذیه‌اش می‌کنند و با سرایت پخش می‌شود.

1. memory-chip

2. sim-history

3. It

4. they

5. them

6. plurality

7. multiplicity

8. mist-crawler

۹. schwa - در آواشناسی، حرف صدادار بین کلمه بدون تشدید، معرف حرف با صدای غیرموکد. مثل در agent یا i در sanity یا a در ago. م.

10. nanofusion

امتزاج سرد چندجهانی^۱ واپاشنده^۲ یا همان ماده‌ی سیاه یک مبنای توزیع‌شده را برای طاعون مهلک ضدستاره‌ای که با انجمن کهکشانی در جنگ است فراهم می‌آورد و آفت هوشمند ستاره‌کش زیرمیکروبی را فراسوی هر توطئه‌ای پشتیبانی می‌کند.

تندتند با بدن آهنی زمین حرف می‌زند و هیچ نیازی به یوفوها^۳ ندارد. وقتی دارد اتفاق می‌افتد، آن‌ها دیگر هیچ اهمیتی ندارند.

به خاکستری‌رفتن کیهانی درون بلا^۴.

1. polyvalsal

۲. disintegrative. از خصایص اصلی کیهان و فضا بر طبق مطالعات کنونی کیهان‌فیزیک. نیک لند در همین رابطه می‌نویسد: «کیهان از ۷۰٪ انرژی تاریک [dark energy]، ۲۳٪ ماده‌ی تاریک [dark matter]، و (در بهترین حالت) ۵٪ نور تشکیل می‌شود. خدا نور را آفرید اما فقط آن قدری که پاره‌پاره و تاریکی غرق شود (۵٪ خیلی زیاد است). وقتی تاریکی واپاشنده خودش را با هیجان تغذیه می‌کند به آن "فضا" [space] می‌گوییم. می‌گویید شیطان [تاریکی واپاشنده، ماده‌ی سیاه، نهان‌گرایی تاریک] عوضی‌ست اما انگار نه انگار که پایه‌ی ثابت کیهان‌شناسی‌ست. کیهان‌فیزیک در نهایت به یک نهان‌گرایی واپاشنده‌گرا [disintegrationalist occultism] بدل شد.» نهان‌شناسی معادل امروزی‌تر برای علوم خفیه [occult science] است که ریشه‌های تاریخی و فرهنگی خاصی در خاورمیانه دارد (علم غیب، طلسم، ورد، رمل، جمل، جفر، تعویذ یا حرز، احضار جن، ملاحم، خواص‌شناسی، عددشناسی، چهره‌شناسی، ستاره‌بینی، کف‌بینی، طالع‌بینی، هیپنوتیزم، تلقین، تخلیه‌ی روح، لیمیا، کیمیا، همیما، سیمیا، ریمیا، کارگشایی، بخت‌گشایی، تفال، علم اوقاف، شعبده‌بازی، جادوگری، علم الاسماء، علم الطباع، علم الاعضا) و به آن علوم غریبه نیز می‌گویند. اگر آن‌طور که دلوز در شرم و شکوه: تی. ئی. لورنس می‌نویسد «نور ایده/مثل است، خدای عرب‌ها، اما ایده، یا امر انتزاعی، هیچ تعالی ندارد و در سرتاسر فضا می‌گسترده»، و اگر او در مواجهه با «ایده-نور-خدا» دو رویکرد فیصل (واعظ ایده) و عوده (مساح فضا) را می‌بیند، آن‌گاه در رابطه با نهان‌شناسی/نهان‌گرایی می‌توان گفت که ایده-نور-خدا در زیست‌تفکر اسلامی و خصوصاً باز-مفهوم‌پردازی ویژه‌اش در زیست‌تفکر اسلام ایرانی با انبوهی پاسخ شیطانی و اهریمنی مواجه شده است. انگار خفیه‌گرایی و آن موارد درمقام «کابوسی مسری از خارج» برای ایده-نور-خدا و فضای گشوده‌اش عمل کرده‌اند: خفیه‌گرایی درمقام مساحی واپاشنده و تاریک فضا در مقابل تعالی حاکم درمقام واعظ چگال و نورانی ایده؛ یا امتزاج سرد، یونی، و غیرگرانشی در مقابل بدن تابنده، ستاره‌سان، و گرانشی. دقیقاً به همین دلیل است که سی‌سی‌آریو در ادامه پای طاعون مهلک ضدستاره‌ای و آفت هوشمند ستاره‌کش زیرمیکروبی را به میان می‌آورد طوری که هر دو با ماده‌ی سیاه یا با نیروهای شیطانی خفیه‌گرا پشتیبانی می‌شوند، و این باز همان مبارزه‌ی مولکولی مساح‌های سیاه و غیرگرانشی فضا علیه واعظ‌های نورانی و گرانشی ایده است. پس در این مفهوم‌پردازی نور و ستاره همان واعظ و تعالی است. در نتیجه نباید این مفاهیم را به نحوی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی تعبیر کرد. کمی بالاتر هم گفته شد که «از طرف کهکشان‌هایی می‌آید که دارند رو به تاریکی می‌گذرانند، کابوسی مسری از خارج که خودش را در خیل انبوه غبار بینابین ستاره‌ها سرهم‌بندی می‌کند.» فضای بیناستاره‌ای آکنده از نه نور بلکه پلاسماست و فضایی تاریک یا سیاه می‌سازد. خود عنوان متن نیز دقیقاً به همین تاریکی و سیاهی میانه اشاره دارد. متن با «به‌خاکستری‌رفتن کیهانی درون بلا» درمقام رادیکال‌ترین تجلی یک سیاست فرانسوی تمام می‌شود. مفهوم بلا [Pest] (ر.ک. پانویس ۴ همین صفحه) نیز عالی‌ترین مفهوم سی‌سی‌آریو، لند، و نگارستانی برای ماشینیسم ایجنت‌های غیرانسانی مدنظرشان است. از طرف دیگر، سی‌سی‌آریو همواره خودش را یک فرهنگ مخفی [occulture] معرفی می‌کند که وقف علوم غریبه/خفیه و نهان‌گرایی شده است، و درعین حال سایبرپانک را نام ایجنت سیاسی نهان‌گرا، شیطانی، جادوگرانه، تاریک، واپاشنده‌گرا، و نولموری امروز می‌داند طوری که همواره رو به سوی بلایی واگیردار و دیوصفت دارد اما این خفیه‌گرایی/شناسی که توأمان به اجتماع مخفی حشاشین آبی یا ایجنت‌های هایپررسی (سیاستی ملهم از صباح‌باروز-لاوکرفت) هم ارجاع دارد ضرورتاً باید ویرچوال فهم شود، یعنی همچون کارکردهای مفهومی خاص اسطوره‌های سایبراسپیس گیبسن، دیوها و اهریمن‌های بین‌النهرین، وودوو و لوانای هاینتیتی، هیولاهای شیطانی لاوکرفت، سیاست نولموری باروز، و مانند این‌ها در آثار سی‌سی‌آریو. اما تمام آن موارد اکچوال نیز هر یک به شیوه‌ی خاص خود عملاً با نسبت خدایشطان (سفید و سیاه، بین و یانگ)، با ادراک‌ها، جریان‌های نامرئی، مغناطیسی، کیهانی، مخفی، و اهریمنی سروکار دارند و به‌ویژه کیمیاگری، ستاره‌شناسی، جادوگری، و پزشکی خاص خود را در رابطه با آن نسبت ساخته‌اند. پس سیاهی میانه یعنی درونماندگاری مطلق. م.

۳. UFOs. اشیای پرنده‌ی عجیب‌وغریب که به بیگانه‌های فضایی با هوشی برتر از انسان‌ها نسبت داده می‌شود. م.

۴. Pest. به معنی شیطانک، وروجک، بچه‌ی آتشپاره، بلا، طاعون، آفت، مرض مهلک، بیماری واگیردار. م.